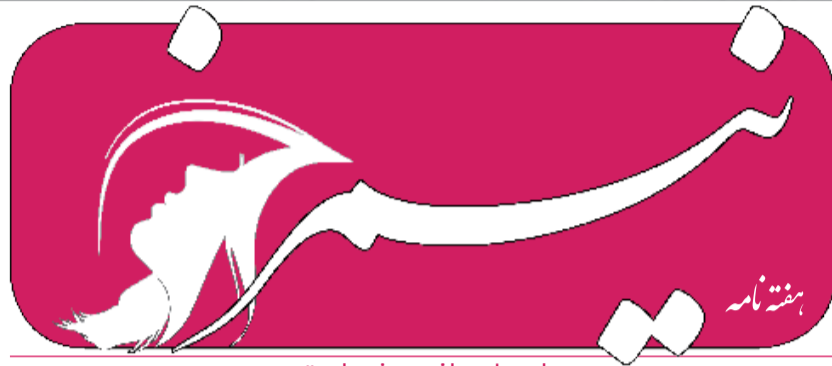


غوغا تابان؛ آواز جوان افغانستانی.

یک میلیارد صدا برای عدالت



■ سال دوم
■ شماره ۷۶
■ دوشنبه
■ ۶ حوت ۱۳۹۷
■ قیمت ۱۰ افغانی
■ Monday
■ February 25, 2019
■ Vol. 2
■ No. 76



اینجا، چراغی روشن است

مصمم شوید که کاری
باید صورت گیرد، سپس
راه انجام آن را خواهید یافت.
"آبراهام لینکلن"



رویکرد نیمه

سکوت و عزلت نشینی زنان ستمی است که خود بر خویش روا می دارند

در شرایط کنونی که فرصت‌های خوبی برای بیرون رفت و رهایی از ظلم و ستمی که تحت عناوین مختلف بر زنان افغانستان تحمیل شده‌اند وجود دارد. زنان باید بیش از هر زمانی دیگر برای رهایی از بند سنت‌ها و فرهنگ زن‌ستیز تلاش نمایند. ایجاد حس خودباوری و خلق انگیزه‌ی دست یافتن به تفکراتی فرای سنت‌های محدود کننده و واهی، مهم‌ترین پیش نیاز زنان برای مبارزه با اندیشه‌هایی است که بر مبنای آن، زن به عنوان جنس دوم به جامعه معرفی می‌شود. زنان ضمن تاکید بر گسستن زنجیره‌ی آموزه‌های سنتی که استدلال منطقی پشتوانه‌ی فلسفی آن نیست، باید برای اثبات توانایی و جایگاه شان در جامعه‌ی افغانی از فرصت‌های به وجود آمده استفاده‌ی بهینه‌ای را داشته باشند. و به داشتن تفکراتی فراتر از سنت‌های مرسوم جامعه فرا خوانده شوند. فقر فرهنگی ناشی از نا آرامی‌های دهه‌های گذشته و باورهای سنتی نهادینه شده مردم ما، دو عامل اساسی در ایجاد نوعی طبقه بندی غیرمنصفانه در بطن جامعه‌ی مان شده است که بر مبنای آن، مردان به واسطه نیروی فیزیکی و امتیازات جسمانی شان نسبت به بانوان برتری یابند، حصول چنین امتیازی، زنان جامعه افغانی را روز به روز و بیش از پیش در انزوا قرار داده و سبب شده تا از این طبقه اثرگذار، در ادبیات اجتماعی مردان، به عنوان جنس دوم یاد شود. محدودیت زنان در چهاردیواری خانه‌ها و خلاصه‌سازی وظایف شان به امورات خانه‌گی و به عبارت دیگر، خدمت به مردان بدون داشتن هیچ گونه چشم داشتی، سابقه طولانی و ریشه در بافت‌های اعتقادی مردم افغانستان دارد. ممنوعیت تحصیل ... ادامه در صفحه ۳...

زنان توان مند نیاز به کمک و بودجه برای کارشان دارند

● صفحه ۳ ●

زنان افغان؛ هرزده سال در دو راهی سنت و مدیریت

زنان در این سال‌ها به حاشیه رانده شده بودند، قابل ستایش است که زنان دوباره سر برافراشتند و از کنج چهاردیواری خانه‌های شان بیرون آمدند تا خطیرترین مسوولیت جهان را به دوش گیرند. در چنین شرایطی قربانی دادن یک امر مسلم است.

زنان در افغانستان و به خصوص در این هرزده سال اخیر با خشونت‌های زیادی مواجه شده‌اند که آمارها نشان می‌دهد خشونت علیه آنان با گذشت هر روز بیش تر و بیش تر می‌شود که این رفتارهای خشونت آمیز در خانواده و جامعه در حقیقت از زنان قربانی می‌گیرد و راه رسیدن به خواست‌ها و امیال و آرزوهای شان را دشوارتر می‌سازد. اما آنچه برای من اهمیت دارد دلایل افزایش روز افزون خشونت‌هاست که مایلیم به آن بپردازم. عده‌ی از محققان طی تحقیقات شان در مورد جنبش‌های نوپای فمینیسم در افغانستان بیان می‌کنند که در حقیقت ایده‌ی شیبه سازی زنان به مردان در جامعه سنتی و اسلامی، عنصر بنیادین در تشدید خشونت علیه زنان محسوب می‌شود. به باور من آنان غیر مستقیم به این نکته اشاره دارند که خشونت علیه زنان در هرزده سال اخیر به علت گرویدن اکثریت از زنان ... ادامه در صفحه ۲...



تحلیل

ملیحه رحیمی

اکنون هرزده سال از روزی می‌گذرد که مردان افغانستانی به آزادی‌های نسبی زنان احترام گذاشتند و برای احقاق حقوق آنان خواسته یا ناخواسته تن دادند. زنان افغان پس از سقوط طالبان و سرازیر شدن توده‌ی عظیمی از کشورهای خارجی در راس آن آمریکا ناخواسته به راهی قدم گذاشتند که جز رفتن و رسیدن و قربانی دادن اکنون چاره‌ی ندارند. آنان در واری این آزادی نسبی هرزده ساله که با فشارهای زیادی از سوی سازمان ملل و دیدبان حقوق بشر آن سازمان تأمین شده است در دو راهی سنت و مدرنیته قرار گرفتند و در میان این راه پر فراز و نشیب استوار و محکم برای رسیدن به یک زنده‌گی آرام انسانی و آزاد گام برداشتند. در جامعه‌ی که جنگ و افراطیت در آن از انسان‌ها مرده‌های متحرکی ساخته بود که فقط خوردن و آشامیدن می‌دانستند و در کشوری که چهار سال تاریکی مطلق و بیش تر از سه دهه جنگ و ویرانی را سپری کرده بود و مهم‌تر از همه

زن وزنده‌گی

او رویایی ساختن و داشتن زنده‌گی جدیدی
را در سر می‌پروراند، آیا موفق خواهد شد؟



روایت

حمیده فیاضی

اند. هنوز هم در مناطق دور دست هستند زنانی که به حقوق اولیه خود یعنی تحصیل و... دسترسی ندارند. باز هم دنیای زنان امروز کمی بهتر از دیروز شده و به امید این که در هیچ گوشه از جهان در لغت‌نامه‌ها خشونت به چشم نخورد.

حادثه‌ی مرا و داشت تا مطلبی را بنویسم؛ یک داستانی از زنده‌گی‌های واقعی امروزی.

در فصل بهار بود و تازه به یک خانه‌ی جدید کوچ کرده بودیم. در آن‌جا مردی با دو همسر خود زنده‌گی می‌کرد. ما هیچ معلومات در مورد آن‌ها نداشتیم. یک‌روز رخصتی ساعت نزدیک ده

● ادامه در صفحه ۲...

زن موجودی ست مهربان و صبور. او که همه باور دارد بهشت را در چشمانش می‌توان یافت، اما حقیقت زنده‌گی ما این گونه نیست. هستند مردانی که آنان را ناقص‌العقل می‌دانند. از سوی دیگر، افغانستان قبرستان امپراطوری‌های مردانه و خشونت‌هایی می‌باشد که تاکنون در دنیای این مردم جای خود را از دست نداده است. چون تبسم سیاه سایه افکنده بالای زنده‌گی این قشر آسیب‌پذیر و متاسفانه امروز نیز در پسا وضعیت طالبانی هم در معرض خشونت

زن و زنده‌گی

او رویایی ساختن و داشتن زنده‌گی جدیدی را در سر می‌پروراند، آیا موفق خواهد شد؟

دعوا دیده می‌شد. اما وقتی دوباره در اتاق رفتیم دوستم که نگران‌تر از دیگران دیده می‌شد گفت: دیشب هنوز خوابش نبرده بود که دیر وقت شب صدای توجه‌اش را جلب کرد. شاید به‌خاطر پسرش بود که نزد نامادری‌اش به‌سر می‌برد و از

او را داشت. گاهی این صبوری او را به تخیلات یک زنده‌گی آرام و شیرین می‌برد. زنده‌گی‌ای را در خیالش مجسم می‌کرد که روزی با پسرش راحت و بدون هیچ دغدغه‌ای زنده‌گی کند. او حتی لحظه‌ای هم به این فکر نمی‌کرد که پسرش نیز یک مرد از جنس همان مردی که این بلاها را سرش می‌آورد است. گاهی این تصورات حتی ذهن او را به نا کجا آباد می‌برد: می‌شود همه چیز را تنها گذاشت. او رها کرد. می‌شود زنده‌گی را از جای دیگری آغاز کرد. می‌شود و هزاران می‌شودهای دیگر که حتی لحظه‌ای هم به نشدنش فکر نمی‌کرد چون دردش حتی استخوانش را می‌سوزاند. نمی‌خواست این لحظه شیرین را از دست دهد. این خیالات خوش او را چون کودکی شاد و سبک بال می‌کرد. با خیال چون کودک همه چیز را می‌خواست از نو بسازد. ناگهان در ذهنش خطور کرد، شاید او هنوز برای آغاز یک زنده‌گی مشترک آماده نبوده است. شاید هنوز کودکی‌اش را در میان این هیاهو از دست نداده باشد. شاید این زنده‌گی و بودنش را تمام نگاه‌ها و همه اطرافیان به زنده‌گی‌اش آورده است. وقتی از خیال باز می‌گردد دوباره همان دنیای تنگ و تاریک، همان کابوس‌های همیشه‌گی، همان ای کاش‌ها و اگر‌ها. یکه خورده به خود باز می‌گردد ته دلش خالی می‌شود حتی فکر این که خانه را ترک کند او را می‌ترساند؛ نه نه نه مگر می‌شود؟ اما او خیالی‌بافی می‌کند و در خیالاتش دنیایی جدیدی برای خودش می‌سازد و برای تحقق بخشیدن به آن‌ها تلاش می‌کند.



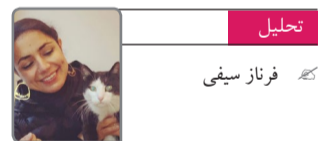
وقتی که اولاد دومش به دنیا آمده بود، پسر آن زن را پدرش نزد دیگرش برده بود. پسر به اندازه‌ی از مادرش دور نگه داشته شده بود که کاملن به نامادری‌اش خو گرفته بود. اما مادرش تنها در خیالات با پسرش به سر می‌برد و رویای بودن با

بچه روز بود، همه به کارهای روزمره‌اش مشغول بودند. من نیز با جمع از دوستانم با خوردن چای سبز به حس قشنگ با هم بودن خود شادی اضافه می‌کردم. لحظه‌های خود را با شادی سپری می‌کردیم. در همین وقت بود که ناگهان صدای به گوش رسید همه ناخودآگاه نگاه‌های ما به سوی هم رد و بدل شد. در چند قدمی دروازه بودم، برای درک موضوع، همه باهم بیرون از خانه رفتیم. در میان پته‌های زینه مرد کوتاه قد با لباس ساده فولادی که شاید ۳۶ سالی از بهار زنده‌گی‌اش می‌گذشت، ایستاده بود. وقتی همه آن‌جا رسیدیم برای لحظه‌ی حس کردم با گفتن حرف‌هایش می‌خواهد ثابت کند که همیشه حق با اوست. مقتدرانه گفته‌هایش را را ادامه می‌داد، یا شاید این‌گونه می‌خواست حقیقتی را که در فراسوی وجدانش سوسو می‌زند را انکار کند. در میان گفته‌هایش نش‌خواری کرد که: تو هیچ حق در این خانه نداری هر روز حولی را کثیف می‌کنی. چیزی هم نی‌آوردی. زن با دلهره می‌خواست تمام آن چیزهای را که در دل داشت را بیان کند. ناگهان زبان باز کرد و گفت: این‌جا خانه من است. تمام دنیای من این زنده‌گی‌ست. من چند فرزند در این خانه به دنیا آوردم. تو از کدام نداشتن حق من حرف می‌زنی؟ در صورتی که تو خودت یک کرایه‌نشین ساده هستی. مرد با چهره حق به‌جانب‌تر از همیشه خود را نشان داد و گفت: از کدام فرزند حرف می‌زنی؟ پسر که به دنیا آوردی هم پیش خودت نیست. شوهرت او را از تو گرفت، چون تو لیاقت او را نداشتی، اما باز هم زن کوتاه نمی‌آمد. همسایه‌ها همه جمع شده بودند تا بدانند ماجرای امروز به کجا ختم می‌شود.

زن آن مرد آمد و با بردن شوهرش ماجرا را فیصله کرد. همه همسایه‌ها به خانه‌های شان برگشتند. در چشم‌های همه فقط تاسف عمیق به دلیل این

جمدگیسو
کریمه شیرنگ
یک پنجره آفتاب
در آغوشم
می‌روم
تا تهی گل‌های قالی
که شاید ارث پیره زنی نا آشنا است
فرو می‌روم
در اندوه زنان که
زنده‌گی را
خودخواهانه‌باختند
و
هم‌چنان قسم می‌خوری
به لب‌خندهای کوتاه خودت که
صداقت بچه گانه دارد.
خوب می‌دانی
جامه‌ای گذشته‌گاهی بر اندام طعن برابر نیست
و باید
آیینی‌بگذاری تمام دیوارهای خانه را که
شاید
بفهمی تو چقدر زنی!
من خودم را در آیینی‌رو به فردا قاب خواهم کرد
و
در این خانه به روی هر چه اندوه است می‌بندم.

راهنمای شهری فمینیستی



فرناز سیفی

کاملن زنانه‌ای از زنان کشاورز، آشپز، شیرینی‌پز و شراب‌شناس آشنا می‌شوید و تلاش آن‌ها برای تغییر صنعت مردسالار رستوران‌داری و کشاورزی. در راهنمای جیبور در هند، با فستیوال ادبی زنان جیبور آشنا می‌شوید و تشویق که در سفر خود سری به این فستیوال بزنید. در بوئنس آیرس، راهنمای بازدید از گرافیتی‌هایی تهیه شده که زنان آرژانتین بر دیوارهای شهر و اغلب درباری زنان و موضوعات مربوط به آن‌ها کشیدند. اگر گذرتان به مسقط، پایتخت عمان افتاد، سراغ کافه‌های «مانی» در شهر بروید که مادران عمانی در آن‌جا غذاهای سنتی عمان را می‌پزند و یا از کارگاه خیاطی که به همت زنان عمانی برای توان‌مندسازی زنان راه افتاده بازدید کرده و از آن‌ها تکه لباسی بخرید.

می‌دانم دفعه دیگری که راهی سفر به شهری باشم که «راهنمای فمینیستی» آن تهیه شده باشد، دیگر سراغ هیچ راهنمای معروف دیگری نخواهم رفت. دور از معروف‌ترین بناهای تاریخی شهر، آرام و مشتاق ردپاهای زنان آن شهر را دنبال می‌کنم، هر وقت هم خسته شدم، در یکی از کافه‌ها و قنادی‌ها و رستوران‌های زنان آن شهر لمیده و فنجان قهوه و چای مزه مزه کرده و دست‌پخت آن‌ها را خواهم چشید.



سعی کردند صدای زنانی باشند که نادیده گرفته شدند. تا امروز برای ۲۰ شهر «راهنمای شهری فمینیستی» تهیه شده است: از لندن گرفته تا ژوهانسبورگ، از پورتلند در ایالت اورگن آمریکا تا کلومبو در سریلانکا. راهنما پر است از جزئیات و نشانی‌ها و روایت‌هایی که در هیچ راهنمای شهری دیگری پیدا نمی‌کنید. برای مثال در راهنمای پورتلند، با اتحادیه‌ی

نقش‌شان در تاریخ شهرها و یادآوری اهمیت حضور و تاریخ فعالیت‌های آن‌ها است. برای تهیه‌ی این «راهنمای شهری فمینیستی»، دست‌اندرکاران این پروژه بیشتر سراغ زنان ساکن همان شهرها رفتند تا مطالب را تهیه کنند. زنانی اغلب فمینیست که با علاقه‌ی شخصی، رد پای زنان و فعالیت‌های آن‌ها را در کوچه پس‌کوچه‌های شهرشان دنبال کردند، از باقی‌مانده‌ی تلاش آن‌ها غبارروبی کردند و

آن‌چه اغلب از حافظه‌ی جمعی شهرها زدوده شده یا اصلا در حافظه‌ی شهر ماندگار نشده است، حضور و روایت زنان آن شهر و دیروز و امروز آن‌ها است. هنوز هم روایت غالب تاریخ، روایتی است در سیطره‌ی مردان و هنوز آن‌چه از دیدنی و چشیدنی و خوردنی هر شهر تبلیغ می‌شود، کسب‌وکارهای معروفی است در اداره‌ی مردان. ما اغلب شهرها را از دریچه‌ی چشم مسلط مردانه تجربه می‌کنیم و می‌بینیم. حالا اما گروهی از زنان، خسته و دل‌زده از این رویه‌ی رایج که انگار خیال ندارد دست از سر ما بردارد، به فکر افتادند که برای شهرها «راهنمای شهری فمینیستی» بنویسند. وبسایت «Uneath Women» سایتی است که موضوع «سفر و زنان» را پوشش می‌دهد و حالا این سایت، شروع به تهیه‌ی ویژه‌نامه‌های سفر «فمینیستی» کرده است و دو شماره از مجله‌ی تازه تاسیس خود درباره‌ی «راهنمای شهری فمینیستی» را نیز منتشر کرده است.

نیکو وارگاس، سردبیر این مجله و از بنیان‌گذاران اصلی «Uneath Women»، می‌گوید که هدف آن‌ها از طراحی «راهنمای شهری فمینیستی» تشویق و تبلیغ کسب‌وکارهای زنان، تلاش‌های زنان برای بهبود وضعیت شهری‌شان،

یک میلیارد صدا برای عدالت



گزارش
فرزانه احساس

دراپین جریان یکی از مناظره کننده گان جناح مخالف انتقادش را چنین بیان نمود: ما که در یک کشور اسلامی با نظام اسلامی زندگی می کنیم در اسلام به صراحت آمده است که نفقه زن بردوش مرد است تا وقتی دختر در خانه پدر است نفقه انرا پدر و برادر می پردازد و وقتی عروسی کرد شوهرش، بنان لازم نیست دارای حق میراث و مالکیت اقتصادی باشد زیرا این ظلم و خشونت آشکار است

علیه مردان. و اما پاسخ یکی از مناظره کننده گان جناح موافق در این مورد: قرن هاست قانون سازان مردها بوده و مجریان این قوانین نیز مردها بوده است بنان این تاثیرات نظام مردسالاری بالای خود مردهاست که به مقصد به حاشیه راندن زنان به نحوی خود مردان متضرر می شود. این در حالی است که در سالهای گذشته نیز در افغانستان چنین برنامه های دایر میشد، برای اولین بار در دانشگاه گوهرشاد در سال ۱۳۹۵ با تدویر برنامه های آگهی دهی و کمپاین های خیابانی همصدایی با کمپاین یک میلیارد صدا را آغاز کرد. کمپاین یک میلیارد صدا به هدف دادخواهی برای حقوق و آزادی و همصدای با یک میلیارد زن که سالانه مورد انواع و اقسام خشونت ها قرار می گیرد برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ برگزار گردید که بعد از آن همه ساله در ۱۴ فبروری در سراسر جهان در کشورها و فرهنگ های مختلف به انواع و اشکال متفاوت برگزار می گردد.

ثبات سیاسی لازم، ترقی و پیشرفت نمی رسد بدون حضور فعال و تاثیرگذار بانوان در عرصه های مختلف اجتماعی سیاسی و اقتصادی جامعه. در همین حال فرشته متین سرپرست مرکز (توانمند سازی زنان) دانشگاه گوهرشاد گفت نابرابری ها و شکاف های جنسیتی موجود در جامعه بصورت ذاتی و طبیعی نبوده بلکه ساخته و برگرفته از ذهن بشر و جامعه

کمپاین یک میلیارد صدا برای عدالت در دانشگاه گوهرشاد با تدویر برنامه های چون سخنرانی، شعر و مناظره برگزار شد. دانشگاه گوهرشاد در سلسله برنامه های کمپاین یک میلیارد صدا برای عدالت به تاریخ ۱۹ فبروری (۳۰ دلو ۱۳۹۷) سیمیناری را تحت عنوان حق میراث و مالکیت اقتصادی زنان دایر کرد. دکتر محمد جواد صالحی ریس دانشگاه گوهرشاد



است که میتوان انرا تغییر داد. همچنین در این برنامه بحث و مناظره در مورد حق میراث و مالکیت زنان به دو جناح موافق (بانوان) و مخالف (آقایان) از سوی اشتراک کننده گان دانشگاه گوهرشاد صورت گرفت

در این برنامه گفت: زنان به عنوان نصف پیکر جامعه باید در همه عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حضور و سهم فعال داشته باشد وی در ادامه صحبت هایش افزود؛ هیچ جامعه ای به توسعه،



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۷۵ • دوشنبه ۶ حوت ۱۳۹۷
Monday • February 25, 2019
Vol. 2 • No. 76



خواننده گان عزیز نیمرخ بدون جهت گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته ها را از صاحب نظران منتشر می کند.
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان
سردبیر: ریحانه رها
گزارشگر: فرزانه احساس و حسین احمدی
عکاس: نجیبه نوری
صفحه آرا: اولیا عماد
زیر نظر هیئت تحریر
به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته ها مسوولیتش به دوش نویسنده گان می باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴
آدرس الکترونیکی:
Nimrokhweekly7@gmail.com



افغان ملي دفاعي او امنيتي ځواکونه د خلکو د ساتنې لپاره!

نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغان برای محافظت مردم!

